

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

تابستان ۱۴۰۴

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسه گزارش: ۱۴۰۴/۰۶/۹۶/۱۲۶/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، مرکز مبادله ارز و طلای ایران، قرارداد مابه‌التفاوت.

تاریخ انتشار گزارش: تابستان ۱۴۰۴

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور اول: «هم‌اندیشی درباره محورهای سی و پنجمین همایش

بانکداری اسلامی»..... ۳

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور دوم: «بررسی قرارداد مابه‌التفاوت، موضوع نامه دریافتی

از مرکز مبادله ارز و طلای ایران»..... ۱۵

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله حسینعلی سعدی (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر عباس عرب مازار (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر محمدرضا حسینی پور (دستیار ویژه قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر فرشاد حیدری (رئیس موسسه عالی آموزش بانکداری)
۱۱. آقای دکتر میرعمادی (مدیرکل نظارت غیراحتیاطی بانک مرکزی)
۱۲. آقای دکتر علی سعیدی (مدیر عامل مرکز مبادله ارز و طلا)
۱۳. آقای دکتر محمد آرام (رئیس هیئت مدیره مرکز مبادله ارز و طلا)
۱۴. آقای دکتر علی شهیدی (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۵. آقای دکتر محمد طه خراطها (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۶. آقای دکتر محمد هادی عابدی (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۷. خانم معصومه رسولی (مدیر اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۸. آقای مهرداد رمضانی (رئیس دایره اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۹. خانم مریم تیره کار (رئیس گروه اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۲۰. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۱. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۲. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۳. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۴. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۵. خانم مریم نظام دوست (کارشناس اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان دکتر محمدپور، دکتر افشار و حجت الاسلام والمسلمین باقری بنایی در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور اول: «هماندیشی درباره محورهای سی و پنجمین همایش

بانکداری اسلامی»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: دستور اول مربوط به همایش بانکداری اسلامی است که در رابطه با آن امروز میزبان آقای دکتر حیدری هستیم. این همایش از مهم‌ترین رویدادهای کشور در زمینه بانکداری اسلامی به شمار می‌رود. گزارشی کوتاه و چند دقیقه‌ای آماده کرده‌ایم که اگر اجازه دهید، همکارم گزارش را ارائه دهد و پس از آن نوبت به صحبت‌های آقای دکتر حیدری خواهد رسید.

بیدخوری: موضوعی که امروز در خدمت شما هستم، مربوط به هماندیشی درباره برگزاری سی و پنجمین همایش بانکداری اسلامی است. همان‌طور که مستحضرد، همایش بانکداری اسلامی یکی از مهم‌ترین و با سابقه‌ترین همایش‌های تخصصی در حوزه پولی و بانکی کشور است که در سطح ملی به خوبی شناخته شده و تاکنون ۳۴ دوره توسط موسسه عالی آموزش بانکداری ایران برگزار گردیده و مورد استقبال گسترده‌ای از سوی خبرگان قرار گرفته است.

با توجه به ابلاغ قانون بانک مرکزی و مسئولیت این بانک در استقرار بانکداری اسلامی، اهمیت همایش امسال دوچندان شده است؛ چرا که این قانون «گفتمان بانکداری بدون ربا» را به «بانکداری اسلامی» ارتقا داده است. در جلسه کمیته علمی همایش مذکور که هفته گذشته در موسسه عالی آموزش برگزار شد، محورهایی پیشنهاد گردید و مورد بحث قرار گرفت که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. چالش‌ها و موانع بانک‌ها در تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری
۲. چالش‌های تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک، متوسط و دانش‌بنیان
۳. توسعه و تحول در ابزارهای تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی کشور
۴. مدل‌های کسب‌وکار بانکی و طبقه‌بندی بانک‌ها در ایران
۵. راهبردهای بهبود بهره‌وری و کارایی بانک‌های کشور
۶. زمینه‌ها و الزامات بهبود تعامل با نظام بانکداری اسلامی بین‌المللی
۷. فناوری‌های نوین مالی و تنظیم‌گری

علاوه بر این، دبیرخانه شورای فقهی دو پیشنهاد مهم را مطرح کرده است:

- **تقریب بین مذاهب اسلامی با تأکید بر حوزه بانکداری اسلامی:** همان‌طور که مستحضرید، کارگروه اهل سنت با تصویب شورای فقهی تشکیل شده و طی سفرهای استانی به مناطق سنی‌نشین، تعاملاتی با هموطنان اهل سنت داشته‌ایم که پرداختن به این موضوع در همایش بانکداری اسلامی بسیار ارزشمند خواهد بود.
 - **ابزارهای اسلامی جهت تقویت سرمایه‌گذاری برای تحقق شعار سال:** با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر موضوع شعار سال (سرمایه‌گذاری برای تولید) پیشنهاد می‌شود که به این موضوع در همایش امسال توجه ویژه‌ای گردد، همچنین پیشنهادات تکمیلی ذیل بند قابل ارائه است:
 - از مسئولین نظارت و تطبیق شرعی برتر در بانک‌ها طبق سنوات گذشته تقدیر به عمل آید.
 - از نخبگان و صاحب‌نظران برجسته حوزه بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی، از جمله نمایندگان کشورهایمانند پاکستان، مالزی، قطر و عربستان سعودی دعوت شود تا در همایش حضور یافته و سخنرانی کنند؛ این اقدام می‌تواند فرصت مناسبی برای بهره‌گیری از تجربیات موفق جهانی در این حوزه باشد.
 - **عمده مقالات و سخنرانی‌های همایش به مباحث تخصصی بانکداری اسلامی اختصاص یابد و صرفاً به موضوعات عمومی بانکداری محدود نشود.**
- این‌ها پیشنهادات کارشناسی دبیرخانه برای برگزاری هرچه بهتر سی و پنجمین همایش بانکداری اسلامی است که ان‌شاءالله در شهریور ماه پیش‌رو، برگزار خواهد شد.
- حیدری:** در موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، از سال ۱۳۷۲ تاکنون، ۳۴ دوره از همایش بانکداری اسلامی را برگزار کرده‌ایم. محور اصلی این همایش‌ها بانکداری اسلامی بوده و محور فرعی آن، تطبیق مسائل روز شبکه بانکی با اصول بانکداری اسلامی است. در این همایش تلاش کرده‌ایم ضمن تقویت نظری و تئوری بانکداری اسلامی، به تطبیق ابزارها و امکانات لازم برای اجرای بانکداری اسلامی در بانک‌های کشور نیز توجه ویژه‌ای داشته باشیم. خوشبختانه این فعالیت‌ها منجر به ایجاد ادبیات جدیدی در حوزه بانکداری کشور شده و پس از طرح مباحث نظری در همایش، یافته‌ها به تدریج به ابزارها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی در بانک‌ها تبدیل شده است.

سی و پنجمین همایش بانکداری اسلامی را امسال در شهریورماه برگزار خواهیم کرد که محور اصلی آن همچنان بانکداری اسلامی می‌باشد و زیر محورها با بهره‌گیری از نظرات اساتید گرانقدر در این حوزه تدوین خواهد شد. محورهایی که سرکار خانم بیدخوری اشاره کردند، بسیار جامع بود و بنده برای جلوگیری از طولانی شدن جلسه، از تکرار آنها خودداری می‌کنم. البته پس از جلسه‌ای که همکاران بنده در موسسه با خبرگان داشتند، نظرات صاحب‌نظران و بانک‌ها را نیز دریافت کرده‌ایم که یک مورد به محورهای پیشنهادی اضافه و یک مورد نیز اصلاح شده است. اگر اجازه دهید، سریعاً آن موارد را خدمتتان عرض می‌کنم.

موضوع اول، مربوط به چالش‌ها و محدودیت‌های بانک‌ها در تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. با توجه به نامگذاری شعار سال به «سرمایه‌گذاری برای تولید»، قصد داریم بررسی کنیم که بانک‌ها با چه مشکلاتی در این زمینه مواجه هستند و چگونه می‌توان ابزارهای مناسبی برای اجرای دستور مقام معظم رهبری طراحی کرد و توسعه داد.

موضوع دوم، توسعه و تحول در ابزارهای تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی کشور است. اگر چه ابزارهای جدیدی ایجاد شده، اما به نظر می‌رسد این ابزارها کافی نبوده و ظرفیت توسعه ابزاری همچنان وجود دارد.

سومین موضوع، مدل‌های کسب‌وکار بانکی و طبقه‌بندی بانک‌ها در ایران است که بر اساس قانون جدید بانک مرکزی و تکالیف آن در این زمینه مطرح شده است. هدف این است که به طبقه‌بندی صحیح بانک‌ها کمک کنیم تا فعالیت‌های بانکی به صورت تخصصی‌تر پیگیری شود.

موضوع بعدی مربوط به نظام نظارتی بانک‌ها است. همان‌طور که مستحضری، نظارت فعلی بانک مرکزی بر بانک‌ها عمدتاً پسینی و مبتنی بر صورت‌های مالی سالانه است و نظارت پیشینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، سرفصلی در همایش به اقدامات پیشگیرانه نظارتی اختصاص یافته تا از این مسیر سلامت بانک‌ها ارتقا یابد؛ که این نیز از تکالیف ذکر شده در قانون بانک مرکزی است.

موضوع دیگر، محدود شدن تعامل با نظام بانکداری بین‌المللی است که قصد داریم زمینه‌ها و الزامات بهبود این تعامل را بررسی کنیم. یکی از موضوعات مهم و جدید دیگر، فناوری‌های نوین مالی (Fintech) فناوری‌های نوین تنظیم‌گری (Regtech) است که نقش کلیدی در تحول نظام بانکی مدرن دارد.

در نهایت، موضوع دیگری که اضافه شده، اصول حاکمیت شرکتی، ساختار سهامداری و مدیریت سهامداری بانک‌ها است. این موضوع یکی از چالش‌های جدی شبکه بانکی، به ویژه در بخش خصوصی می‌باشد؛ چرا که قوانین و مقررات مرتبط گاهی رعایت نمی‌شود و این موضوع مشکلاتی ایجاد می‌کند. هدف این است که در همایش بررسی کنیم که آیا با اصلاح ساختار سهامداری و مدیریت بانک‌ها می‌توان به سلامت و ثبات بیشتر نظام بانکی کمک کرد یا خیر؟

موضوعی که پیشتر با جناب آقای دکتر ابوالحسنی مطرح شد و در جلسه قبلی نیز بر آن تأکید گردید، بین‌المللی کردن این همایش است. طی چهار پنج سال گذشته تلاش‌هایی برای دعوت از متخصصان خارجی صورت گرفت که متأسفانه به خروجی لازم منجر نشد. قصد داریم در این خصوص بحث و تبادل نظر کنیم تا راهنمایی‌های لازم را از شورای فقهی دریافت کنیم و با توجه به فرصت چند ماهه‌ای که وجود داریم، بتوانیم حداکثر استفاده را در این زمینه داشته باشیم.

ابوالحسنی: در رابطه با همایش‌ها، بانک مرکزی عمدتاً سه همایش اصلی در طول سال برگزار می‌کند. این سه همایش رسمی بوده و مواضع ما در مسائل مختلف در آنها اعلام، بحث و بررسی می‌شود. همچنین از نظرات ارائه شده و کارهای پژوهشی صورت گرفته در این همایش‌ها بهره‌برداری می‌کنیم.

یکی از همایش‌های ما مربوط به مسائل فناوری، نظام‌های پرداخت و موضوعات مشابه است که مورد استقبال علاقه‌مندان به این حوزه قرار می‌گیرد. این همایش معمولاً در آبان یا دی ماه برگزار می‌شود. صرف‌نظر از جنبه‌های شکلی، این همایش محتوای بسیار خوبی دارد و حتی در سطح بین‌المللی نیز به آن توجه می‌شود که ما در حال انجام چه کارهایی هستیم. حتی مشاهده شده که در مذاکرات و مباحث علمی نیز به این همایش اشاره می‌شود و این نشان می‌دهد که موضوع صرفاً یک همایش تشریفاتی نیست و دارای تأثیرگذاری است، اما باید توجه داشت که این همایش اصلی بانک مرکزی نیست؛ بلکه یک رویداد مبتنی بر فناوری اطلاعات می‌باشد که از قبل سابقه داشته و ما نیز آن را ادامه می‌دهیم.

همایش دوم بانک مرکزی، همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی است که معمولاً در اردیبهشت یا خرداد برگزار می‌شود. در این همایش، مباحث علمی و کاربردی مطرح می‌گردد و جنبه‌های اسلامی صرفاً در صورت تمایل خود ما یا در پنل‌های خاص مورد بحث قرار می‌گیرد. به عنوان مثال بنده پیشنهاد داده بودم که یک پنل ویژه در زمینه بانکداری اسلامی در همایش اخیر برگزار شود. اما رویکرد اصلی این همایش آن است که بیشتر به مسائل اجرایی و مشکلاتی که در عملیات

بانکی، چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌الملل وجود دارد بپردازد. امسال محور اصلی همایش، ارتقای حکمرانی بوده است؛ منظور ما حکمرانی ریال است که شامل رصد جریان وجوه و نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی می‌شود.

اما همایش سوم که موضوع بحث امروز است و هفته گذشته نیز در جلسه‌ای مشترک با آقای دکتر حیدری در رابطه با آن صحبت کردیم، مربوط به بانکداری اسلامی است. با توجه به پیشنهادهایی که قبلاً مطرح شده و نام این همایش که بانکداری اسلامی است، انتظارات زیادی از ما وجود دارد؛ به ویژه از سوی کشورهای اسلامی که انتظار دارند ما پیشرو در این حوزه باشیم. وقتی می‌خواهیم پیشرو باشیم، برگزاری یک همایش صرفاً داخلی کافی نیست؛ باید نگاه گسترده‌تری داشته باشیم و جهان اسلام را به عنوان مخاطب اصلی در نظر بگیریم. بنابراین، لازم است که همایش به صورت بین‌المللی برگزار شود و همه کشورهای اسلامی در آن مشارکت داشته باشند. البته محدودیت‌هایی هم وجود دارد؛ از جمله بررسی و تأیید شرکت‌کنندگان خارجی، مسائل مالی و تدارکات که باید مدیریت شود. بانک توسعه اسلامی (IDB) به ویژه بخش آموزشی و پژوهشی آن (IRTI) آمادگی دارد که در این زمینه همکاری کند و می‌توانیم از ظرفیت‌های آنها برای دعوت و سازماندهی حضور صاحب نظران بین‌المللی در همایش بانکداری اسلامی این افراد استفاده کنیم. حتی می‌توانیم رئیس بانک توسعه اسلامی را دعوت کنیم. موضوع این است که ما باید به تدریج حضور موسسات مالی و پولی بین‌المللی اسلامی، افراد علاقه‌مند و کشورهای مرتبط را در همایش بانکداری اسلامی بانک مرکزی تقویت کنیم. ممکن است برخی مقامات این کشورها به این موضوعات علاقه‌مند باشند، پس باید زمینه‌های همکاری را ایجاد کنیم. می‌دانم که این کار سخت است، اما وقتی این افراد را دعوت کنیم و در همایش‌ها مشارکت نمایند، در آینده آنها نیز شما از بانک مرکزی دعوت خواهند کرد و جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری در این زمینه پیدا خواهد نمود.

سیاست‌های پولی تفاوت و تمایز داشته باشد.

در ذهن من یک سوال یا ابهام مطرح است که می‌خواهم به عنوان درخواست مطرح کنم: اگر ما بانکداری اسلامی را می‌خواهیم اجرا کنیم، باید روشن شود که چگونه اجرای این بانکداری می‌تواند به تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی کمک کند؟ اگر واقعاً نظام بانکی کشور ما مبتنی بر بانکداری اسلامی می‌باشد که این بسیار خوب است؛ اما اگر فاصله‌ای وجود دارد، باید مشخص کنیم که این فاصله کجاست و چه اقداماتی باید انجام دهیم.

برای مثال، در حوزه صکوک، چرا ما در ایران انواع محدود از صکوک را اجرا می‌کنیم؟ در دوره‌ای برای بانک‌ها آموزش طراحی صکوک و آشنایی با ابزارهای مختلف را ارائه می‌دادم و می‌دیدم که مدل‌های عملیاتی صکوک می‌تواند تا ۱۸ مدل افزایش یابد، اما مسئله این است که این ابزارها کجا و چگونه باید عملیاتی شوند؟ صرف اعلام وجود یک ابزار کافی نیست و باید به اجرای عملی آن توجه کنیم.

مشکل اصلی این است که از طراحی و تدوین ابزارها به لحاظ فقهی تا مرحله اجرا، فاصله زیادی وجود دارد. این فاصله معمولاً به دلیل روند طولانی دستورالعمل‌نویسی، تدوین شیوه‌نامه، ابلاغ و نهایتاً اجرا ایجاد می‌شود. مثلاً اگر به ادارات بانک مرکزی اعلام شود که پنج نوع صکوک جدید به لحاظ فقهی مجاز است باید مقررات لازم تصویب شده و پس از ابلاغ اجرایی گردد. سؤال این است که چرا در ایران فقط برخی از اوراق بهادار اسلامی وجود دارد و چرا کشورهایی مانند مالزی در این زمینه جلوتر هستند؟ ما نمی‌توانیم صرفاً دنباله رو آنها باشیم و باید به رتبه اول دست پیدا کنیم همچنین لازم به تأکید است شیوه جمع‌بندی همایش در اختتامیه‌ای که معقوله‌ای بسیار مهمی می‌باشد و می‌تواند نقش کلیدی در جهت‌دهی به مسیر آتی بانکداری اسلامی ایفا کند؛ چرا که در اختتامیه، قرار است ثمره کل همایش جمع‌بندی شود؛ یعنی سیاست‌ها و راهکارهایی که باید مبنای کارهای بعدی و اجرایی قرار گیرد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، لازم است در پل‌ها و خود همایش نکات کلیدی و سیاست‌های پیشنهادی به‌روشنی مطرح شود تا پس از همایش بتوانیم با همفکری بررسی نماییم که کدام سیاست‌ها قابل اجرا هستند و کدام یک نیاز به بازنگری دارند. مثلاً ممکن است برخی سیاست‌ها به دلیل عدم آمادگی اجرایی قابل پیاده‌سازی نباشند و بتوان آنها را اصلاح یا تکمیل کرد.

بنده تأکید می‌کنم که باید رویکرد اسلامی و کاربردی‌تری به همایش بدهیم. از ۳۴ دوره همایش‌هایی که قبلاً برگزار شده، تمام مطالب و کتاب‌ها و محتوای همایش گردآوری شده و در تارنمای موسسه قرار گرفته است تا پژوهشگران و علاقه‌مندان بتوانند استفاده نمایند. اما هدف ما این است که در این همایش، حرف‌های جدید و راهکارهای عملی مطرح شود؛ مثلاً چند ابزار جدید که بتوانیم در عمل از آنها استفاده کنیم. در واقع سؤال آن است که: «چه ابزارهایی وجود دارد که بتوانیم با رعایت شرع و بانکداری اسلامی، منابع محدود را به بهترین شکل به متقاضیان اختصاص دهیم و مشکلات آنها را حل کنیم؟»

مثلاً بسیاری از افراد به خاطر پرداخت مهریه به زندان می‌روند و این یک واقعیت است. یا باید قانون اصلاح شود یا باید راهکارهای مناسب بانکی ارائه کنیم. اگر کسی به بنده مراجعه کند و بگوید فرزندم به خاطر مهریه زندانی است، بنده چه کمکی می‌توانم به او بکنم؟ آیا می‌توانم وام قرض‌الحسنه بدهم؟ در حالی که می‌توان برای حل مشکل مهریه، ابزارهای اسلامی جدیدی طراحی کرد. یا مثلاً اگر فردی با مشکلات پزشکی و هزینه‌های بالا مواجه است، بنده به عنوان قائم‌مقام بانک مرکزی چه پیشنهادی می‌توانم به او بدهم؟ معمولاً می‌گوییم بروید وام ۵۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه بگیرید، که شاید حتی این هم پرداخت نشود. در حالی که در فقه اسلامی ظرفیت‌های گسترده‌ای وجود دارد که می‌توان بر اساس آنها برای این نیازها ابزار مالی طراحی کرد. هدف در بانک مرکزی آن است که بانکداری اسلامی واقعی را پیاده کنیم، حتی به صورت تدریجی و طی چند سال تجربیات گذشته باید، در همایش‌های بانکداری اسلامی آسیب‌شناسی شود و نقاط ضعف مشخص گردد.

در واقع انتظار ما از این همایش آن است که: ارائه راهکارهای عملی و اسلامی برای پیشرفت بانکداری اسلامی در کشور مدنظر قرار گیرد.

مصباحی مقدم: خیلی ممنون از آقای دکتر ابوالحسنی که فهرستی از موضوعات و مسائل مهم را مطرح کردند. به نظرم خوب است که کمیته علمی همایش این فهرست را تکمیل کند و آن را در اختیار خبرگان قرار دهد تا مقالات خود را در چهارچوب این موضوعات و مسائل ارائه دهند. سؤال و موضوع اصلی این است که خبرگان باید با توجه به مبانی اسلامی، راهکارهای عملی و کاربردی برای چالش‌های اجرای بانکداری اسلامی در ایران ارائه کنند. این رویکرد کمک می‌کند که همایش به یک رویداد گره‌گشا و راه‌حل محور تبدیل شود و تأثیر واقعی در پیشبرد بانکداری اسلامی داشته باشد.

ابوالحسنی: پیشنهاد می‌کنم که ضمن حفظ محورهای اصلی همایش، کرسی‌های نظریه‌پردازی نیز در صورت امکان برگزار شود. منظورم آن است که بررسی مسائل جدید و بحث‌های جانبی خارج از چهارچوب اصلی همایش در قالب چند کرسی جداگانه انجام گردد. این نوع فعالیت‌ها می‌تواند مکمل موضوعات اصلی باشد و به غنای همایش کمک نماید.

رضایی: بحث ما در شورا پیش‌تر نیز مطرح شده بود و موضوع اصلی ما مخاطبان اسلامی بانک است؛ هم جامعه داخلی و هم جامعه بیرونی. در جامعه داخلی باید به عزیزانی که بر اساس فقه امامیه عمل می‌کنند توجه کنیم و همچنین به کسانی که به فقه اهل سنت پایبند هستند. از نظر بین‌المللی همانطور که مستحضرید کارگروهی ذیل شورای فقهی دبیرخانه تشکیل

شده و وظیفه آن بررسی چالش‌های فقهی اهل سنت در تعامل با شبکه بانکی می‌باشد. بر این اساس، ساختار بانک مرکزی نیز از این روند حمایت می‌کند تا مشکلات و شبهات موجود برطرف شود. به این ترتیب، حرکت به سمت بانکداری اسلامی بین‌المللی می‌تواند شبهاتی که در ذهن برخی از هم‌وطنان اهل سنت در ایران و همچنین در خارج از مرزها وجود دارد را کاهش دهد. یکی از دیگر موضوعات مهم می‌تواند تقویت ارتباط بانک مرکزی با سازمان‌های بین‌المللی در حوزه بانکداری اسلامی مانند AAOIFI یا IFSB باشد که می‌توان در ادامه از نمایندگان آنها جهت حضور در همایش بانکدار اسلامی دعوت کرد. یعنی اگر امکان حضور فعال در سطح بین‌الملل فراهم نیست، حداقل می‌توان از نمایندگان بانک توسعه اسلامی یا نهادهای بین‌المللی دعوت به عمل آورد تا در ایران حضور یابند و در جریان گزارش‌ها و دستاوردهای کشور در زمینه بانکداری اسلامی قرار گیرند مثلاً ابلاغ قانون بانک مرکزی یکی از تحولات مهم در اجرای بانکداری اسلامی در کشور است که لازم است در سطح بین‌المللی مطرح شود؛ یا تشکیل دو بانک قرض‌الحسنه که مختص ایران بوده و در سایر کشورهای اسلامی چنین نهادهایی وجود ندارد.

در طول چند دهه گذشته کتاب‌ها و مقالات بسیار ارزشمندی در زمینه اسلامی‌سازی بانکداری در ایران منتشر شده است. برخی از این مقالات به مرور، تکمیل شده‌اند و منتخب آنها می‌تواند به صورت خلاصه و به دو زبان انگلیسی و عربی ترجمه شود تا به خصوص برای خبرگان بین‌المللی قابل استفاده باشد و نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های گسترده‌ای برای پیشبرد بانکداری اسلامی انجام داده است.

نکته مهم دیگر آن است که در دنیا، تنها ایران است که «بانکداری اسلامی یکپارچه» را به صورت کامل اجرا می‌کند. علاوه بر این، سیاست‌های پولی، مالی و ارزی که بانک مرکزی اجرا می‌کند نیز، همگی منطبق با شریعت مقدس است و این موضوع باید به خوبی تبیین شود؛ به ویژه در حوزه «بانکداری مرکزی اسلامی» و «عملیات بازار باز منطبق با شریعت» که در بانک مرکزی ایران مورد توجه بوده و به مرحله اجرا رسیده است اما در سایر کشورهای اسلامی چنین موضوعی به ندرت مشاهده می‌شود. این یکی از امتیازات برجسته بانکداری اسلامی در کشور می‌باشد که می‌تواند به عنوان نقطه قوت در سطح بین‌المللی مطرح شود.

بنابراین، به نظرم باید در این همایش به گونه‌ای عمل کنیم که هم مخاطبان داخلی، به ویژه اهل سنت، شبهاتشان برطرف شود و هم ظرفیت‌های قانون جدید بانک مرکزی به خوبی مورد استفاده قرار گیرد. موضوعات مطرح شده در کمیته علمی همایش بسیار خوب و راهگشا هستند و می‌توان آنها را تقویت نمود.

سعدی: موضوع جلسه، همایش بانکداری اسلامی است و همان‌طور که اشاره شد، امسال با یک تغییر پارادایم مواجه هستیم؛ (حرکت از بانکداری بدون ربا به سمت بانکداری اسلام) پیشنهاد می‌کنم در همایش به این تغییر گفتمان به صورت ویژه توجه شود؛ یعنی چه تغییراتی باید رخ دهد تا از بانکداری بدون ربا به بانکداری اسلامی برسیم.

جهت تقویت محورهای همایش، بنده پیشنهاد می‌کنم موارد ذیل نیز مورد توجه قرار گیرد:

۱- حکمرانی اسلامی پول: مقوله حکمرانی پول در چهارچوب شریعت و به ویژه تحلیل خلق پول از منظر فقهی موضوعات مهمی است که لازم است مورد توجه قرار گیرد. چرا که اگر بانکداری اسلامی واقعی بخواهد اجرا شود، حکمرانی پول باید در منشا و تولید آن مورد توجه قرار گیرد. ممکن است گفته شود بانکداری کشور ربوی نیست، اما همچنان خلق پول بر اساس سیاست‌های اسلامی تنظیم نمی‌شود. بنابراین، این موضوع محوری جدی و مهم برای بحث و بررسی در همایش محسوب می‌شود.

۲- بین‌المللی شدن همایش: بنده به شدت موافق بین‌المللی شدن همایش بانکداری اسلامی هستیم؛ البته باید مدیریت شود تا از آسیب‌ها و مشکلات احتمالی جلوگیری گردد. دلیل اصلی برای این موضوع آن است که ما در حال حاضر از جمله کشورهای اسلامی پیشرو در نظریه پردازی بانکداری اسلامی به حساب نمی‌آییم لذا وقتی به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در این همایش‌ها حضور پیدا کنیم، می‌توانیم در این کسب و کار بانکداری بین‌المللی نقش پیدا کنیم. باید توجه کرد که بانکداری اسلامی امروز نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در صنعت بانکداری بین‌المللی نیز به عنوان یک ایده مطرح است و به عنوان گفتمانی رقیب برای بانکداری متعارف شناخته می‌شود. بنابراین، باید در عرصه بین‌المللی حضور فعال و موثری داشته باشیم.

با توجه به این موارد، پیشنهاد می‌کنم افراد مسئول در محتوای همایش به ویژه آقای دکتر حیدری و آقای دکتر میثمی، محورهای همایش را مشخص کنند و فراخوان مقالات را با دقت و هدفمندی اعلام نمایند. اگر در حوزه‌ای مانند حکمرانی

اسلامی پول، سوال یا مشکلی مطرح شود، باید نویسنده‌ای برای پاسخگویی و ارائه مقاله تخصصی پیدا گردد لذا این سرمایه‌گذاری در تدوین مقالات سفارشی برای همایش، کاملاً سودمند و مفید خواهد بود. امیدوارم همایش امسال گامی مؤثر در جهت تحقق بانکداری اسلامی باشد.

اسلامیان: باید توجه داشت که از نظر بنده، بانکداری اسلامی به معنای واقعی آن، بانکی است که طراحی آن مستقیماً از منابع اسلامی گرفته شده و برنامه‌ریزی آن نیز مبتنی بر منابع اسلامی باشد؛ نه اینکه صرفاً شکل و ظاهر بانکداری موجود دنیا تغییر کند و نام آن را اسلامی بگذاریم. شیوه‌های موجود در بانکداری متعارف خلاف شرع نباشد، می‌توان آنها را قابل قبول محسوب کرد، اما بسیاری مواقع این اتفاق نمی‌افتد و مشکلات ابزارهای متعارف همچنان باقی خواهد بود. بنابراین، در این همایش باید تمرکز بر این باشد که بانکداری اسلامی واقعی، (بانکی که طرح آن از منابع اسلامی استخراج شده) به درستی طراحی و ارائه شود.

در مورد بین‌المللی شدن همایش نیز باید بگویم که این موضوع بسیار خوب و لازم است، اما تا زمانی که ما خودمان در داخل کشور یک مدل مشخص و مستند از نظریه بانکداری اسلامی (که مبتنی بر کتاب و سنت باشد) تدوین نکرده باشیم، ارائه بین‌المللی چندان مفید نخواهد بود.

آرام: پیشنهادی دارم که شاید آقای دکتر حیدری بهتر بتواند آن را اجرا کند، چون خودشان سال‌ها مدیر اجرایی در بانک مرکزی و بانک‌های مختلف بوده‌اند. حدود چند سال قبل همایشی در ترکیه برگزار شد که موضوع اصلی آن بانکداری اسلامی با تمرکز ویژه بر صکوک بود. آقای ضمیر اقبال مدیریت اجرای آن همایش را بر عهده داشت ایشان که از فعالان حوزه صکوک و مالی اسلامی محسوب می‌شود. هدف این همایش جذب ۲۰ میلیارد دلار سرمایه برای زیرساخت‌ها بود و شرکت‌کنندگان از کشورهای مختلف اسلامی حضور داشتند. این همایش بر تأمین مالی، به ویژه از طریق صکوک بود که قوی‌ترین و بزرگ‌ترین ابزار مالی اسلامی در جهان محسوب می‌شود، چه در بازار سرمایه و چه در بازار پول. به نظر بنده، چه با دید داخلی و چه بین‌المللی، اگر بخواهیم به بانکداری اسلامی بپردازیم، باید تمرکز ویژه‌ای بر صکوک داشته باشیم. مقوله‌هایی مانند انواع صکوک، نحوه نظارت بانک مرکزی، جنبه‌های شرعی و توسعه‌ای آن، می‌تواند به عنوان موضوعی مرتبط برای تأمین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام کشور مورد بررسی قرار گیرد. مشکل اصلی کشور در تأمین مالی پروژه‌ها، به ویژه

پروژه‌های EPCF^۱ است که در دنیا عمدتاً از طریق صکوک جعاله، تأمین مالی می‌شوند. به نظر می‌رسد بسیاری از پروژه‌های ناتمام کشور می‌توانند با استفاده از این ابزارها به سرانجام برسند. همچنین، پروژه‌هایی که به بهره‌برداری رسیده‌اند ولی درآمد کافی برای بازپرداخت ندارند، می‌توانند از طریق استفاده از صکوک قابل تبدیل به سهام، مشکلات مالی خود را حل کنند. این فرآیند تبدیل ابزارهای بدهی به دارایی و مالکیت، می‌تواند به پویایی بازار کمک کند.

موضوعات دیگری مانند مدیریت ریسک در حوزه صکوک، تشکیل سند دارایی صندوق‌های صکوک، کاربرد صکوک جهت تامین مالی دولت و نظام بانکی نیز اهمیت زیادی دارد. پیشنهاد می‌کنم همایش به گونه‌ای برگزار شود که علاوه بر شخصیت‌های علمی، سرمایه‌گذاران، پیمانکاران و شرکت‌های تولیدی نیز حضور داشته باشند، زیرا هدف از همایش نباید صرفاً تبیین علمی موضوعات باشد بلکه لازم است به ابعاد کاربردی موضوعات توجه شود. برای مثال، مالزی تاکنون بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار صکوک منتشر کرده است و کشورهای همسایه مانند قطر و عربستان نیز از این ابزارها به طور گسترده استفاده می‌کنند. در حالی که سهم جمهوری اسلامی ایران از بازار بین‌المللی صکوک بسیار کم و محدود می‌باشد.

ما باید به جنبه عملی و اجرایی این موضوعات توجه کنیم. بانک مرکزی و شورای فقهی این بانک می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. به عنوان نمونه، اخیراً در فولاد مبارکه ۴۶۰ میلیون یورو از طریق صکوک مباحه تأمین مالی شده است و انتظار می‌رود تا پایان سال این رقم به ۲ میلیارد یورو برسد. ابزار صکوک مباحه برای تأمین مالی ارزی بر اساس مصوبه شورای فقهی به مرحله اجرا رسید و این اهمیت مصوبات شورای فقهی را نشان می‌دهد.

به هر حال این ارقام در مقایسه با سهم کشورهای اسلامی از بازار صکوک بسیار ناچیز است و ما باید سهم بالاتری از بازار صکوک بین‌المللی را به خود اختصاص دهیم.

این موضوع نیازمند همکاری جدی بانک مرکزی، شورای فقهی بانک مرکزی و سایر نهادهای مرتبط است. در نهایت، باید توجه داشت که ایران در حوزه طراحی ابزارهای مالی اسلامی، به ویژه در سازمان بورس و اوراق بهادار از جمله برترین کشورهای در جهان است و این ظرفیت می‌تواند در حوزه بانکی نیز به خوبی به کار گرفته شود. امیدوارم با تمرکز بر موضوع صکوک در همایش امسال و همکاری همه جانبه ذی‌نفعان بتواند گامی مؤثر در پیشبرد بانکداری اسلامی واقعی برداشت.

^۱ (Engineering, Procurement, Construction, and Financing)

مصباحی مقدم: آقای دکتر حیدری، درست است که بانک مرکزی متولی برگزاری این همایش است، اما ضروری است که دامنه کار را وسیع‌تر در نظر بگیرید. این وسعت باید به گونه‌ای باشد که بازار سرمایه نیز بتواند در همایش شرکت کند. اگر این اتفاق بیفتد، هم در مباحث علمی و هم در بهره‌برداری از نتایج این گفتگوها، دامنه کار به شدت گسترده‌تر خواهد شد. چرا که دستاوردهای ارزشمندی که تاکنون در بازار سرمایه به دست آمده، می‌تواند در این همایش مورد استفاده قرار گیرد. خوشبختانه، از سال ۱۳۸۶ تاکنون، ما در زمینه ابزارهای مالی در بازار سرمایه کارهای بسیار مهمی انجام داده‌ایم و تعداد ابزارهایی که بر اساس مصوبات کمیته فقهی بورس طراحی شده‌اند بسیار متعدد است.

اگر دامنه همایش وسیع‌تر شود و به گونه‌ای باشد که هم بانک‌ها و هم بازار سرمایه بتوانند از آن بهره‌برداری کنند، مخاطبان گسترده‌تری نیز در داخل و خارج از کشور جذب خواهند شد.

میثمی: جمع‌بندی مباحث در رابطه با همایش آتی بانکداری اسلامی از طریق دبیرخانه به موسسه عالی بانکداری ایران منتقل خواهد شد.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور دوم: «بررسی نامه دریافتی از مرکز مبادله ارز و طلای

ایران در خصوص قرارداد مابه‌التفاوت»

میثمی: موضوع دوم این جلسه بررسی «قرارداد مابه‌التفاوت» نامه دریافتی از مرکز مبادله ارز و طلای ایران با شماره ۷۲۶۵/ص/۴/۲۰۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ می‌باشد که این موضوع در جلسه گذشته نیز مطرح شد. نسخه اصلاح شده و متن پیشنهادی مصوبه‌ای که مرکز مبادله درخواست کرده است، آماده ارائه می‌باشد.

آرام: مرکز مبادله ارز و طلا با هدف تفکیک نقش‌ها در بانک مرکزی ایجاد شد. در سال‌هایی که بنده مسئولیت ارزی داشتم، بانک مرکزی هم سیاستگذار، هم مقررگذار، هم ناظر بازار ارز و هم مجری بود که این ساختار در دنیا مرسوم نیست و از لحاظ فنی و نظارتی مشکل‌ساز است. پس تصمیم گرفتیم بازاری مدرن و ساختاریافته ایجاد کنیم که سیاستگذاری و نظارت در بانک مرکزی باقی بماند، اما اجرا و معاملات به مرکز مبادله منتقل شود. یعنی مرکز مبادله عملاً بازوی اجرایی سیاستهای ارزی بانک مرکزی باشد.

با این رویکرد، تالارهای مختلفی در مرکز مبادله راه‌اندازی شد؛ تالار سکه، شمش، ارز تجاری، تامین مالی، خدمات اشخاص، اسکناس و حتی تالار مشتقات و ابزارهای پوشش ریسک که در برنامه‌های آینده این مرکز قرار دارد. همچنین، معاملات نقد، سلف، آتی و سایر انواع معاملات تعریف گردید و به تدریج عمق و تنوع بازار افزایش یافت. نتایج عملکرد مرکز مبادله بسیار قابل توجه است.

این موفقیت‌ها علاوه بر ایجاد درآمد ارزی قابل توجه، به تقویت اقتصاد مقاومتی، اشتغال و تشکیل سرمایه کمک می‌کند. به عنوان مثال، اوراق صکوک مباحه ارزی که با مصوبه قبلی اجرا شد، تاکنون ۴۶۰ میلیون یورو منابع جذب کرده که بیش از ۲.۵ میلیارد دلار درآمد ارزی ایجاد نموده است. این درآمدها در پروژه‌های مهمی مانند پالایشگاه گازی بیدبلند، پتروشیمی‌های سروش و نگین مهستان و شرکت فولاد مبارکه سرمایه‌گذاری شده که هر کدام درآمد ارزی قابل توجهی برای کشور به همراه داشته‌اند. در نهایت، باید از حمایت‌های حضرتعالی و اعضای شورای فقهی تشکر کنم که ما را در این مسیر هدایت کردند. تلاش کردیم اجرای مصوبه‌های شورای فقهی هم از نظر رعایت ضوابط شریعت، هم از نظر فنی و هم از نظر انطباق با استانداردهای بین‌المللی به بهترین شکل انجام شود.

مصباحی: بنده اخیراً از طرف مرکز مبادله ارز و طلا دعوت شدم تا از نزدیک با کارکردهای بازار مبادله ارز و طلا آشنا شوم. در آنجا خلاصه‌ای از خدمات، حوزه فعالیت، تنوع کارها و محصولات ارائه شده به اینجانب گزارش گردید که به خوبی استفاده کردم. همچنین، بررسی کردم که مصوبه شورای فقهی چگونه می‌تواند به توسعه فعالیت‌های بازار مبادله کمک نماید.

آرام: همان‌طور که اشاره شد، موضوع پیش‌فروش ارز از جانب بانک مرکزی موافقت اصولی گرفته است و آقای دکتر میثمی هم فرمودند که بهتر است بنده فقط روی ماهیت این بازار صحبت کنم، چرا که جنبه حقوقی آن را آقای دکتر سعیدی و همکاران حقوقی بهتر توضیح خواهند داد.

ما در مرکز مبادله به سمت پیش‌فروش ارز رفتیم، چون شرکت‌هایی که درآمد ارزی دارند و تعهدات ارزی خود را ۱۰۰ درصد و به موقع انجام داده‌اند، باید امتیاز ویژه‌ای بگیرند. این شرکت‌ها به دلیل شرایط تحریم و مشکلات کارسازی به موقع ارز، ممکن است با تأخیر در بازگرداندن ارز مواجه شوند که باعث می‌شود برخی فعالیت‌های تولیدی به دلیل کمبود نقدینگی متوقف شوند.

برای مثال، اگر شرکتی ۵۰۰ میلیون دلار صادرات داشته باشد، می‌تواند حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد آن یعنی نزدیک به ۱۵۰ میلیون دلار را در قالب پیش‌فروش ارز، عرضه نماید. این مبلغ را می‌تواند در چند مرحله زمانی (تقسیم کند و به کسانی بفروشد که حاضرند با نرخ روز و تخفیف کمتر ارز را خریداری کنند. مطمئن هستم که با این روش ابزار جدید، هزینه تأمین مالی شرکتها زیر ۲۰ درصد خواهد شد. از طرف دیگر، فروشنده ارز، می‌تواند ارز خود را به نرخ روز بفروشد و منابع را نقد دریافت کند؛ ولی بخش پیش‌فروش را با هزینه بسیار کمتر زودتر دریافت نماید.

امکان استفاده از این سازوکار به شرکت‌هایی داده می‌شود که عملکرد ارزی خوبی داشته و طرح توسعه‌ای مناسبی نیز ارائه می‌دهند. به این ترتیب، صادرکننده نیازی ندارد جهت تأمین مالی با نرخ بالا به بانک‌ها مراجعه کند و از طریق این روش، به پشتوانه دارایی و صادرات آینده خود، نقدینگی لازم را بدست می‌آورد و آن را در توسعه کسب و کار اقتصادی مورد استفاده قرار خواهد داد.

طرح‌های توسعه‌ای که درآمد ارزی دارند در اولویت استفاده از این ابزار جدید هستند و این موضوع برای صادرکننده یا پیش‌فروش‌کننده بسیار جذاب است، چون با هزینه تأمین مالی کم، پول مورد نیاز خود را تأمین می‌کند و ارز را به نرخ روز

و بدون محدودیت می‌فروشد، بدون اینکه هزینه اضافی بابت سود بانکی و سایر هزینه‌ها پرداخت کند. در ادامه، این نقدینگی به طرح‌های توسعه‌ای اختصاص می‌یابد که باعث افزایش اشتغال، تشکیل سرمایه و درآمد ارزی کشور می‌شود.

از دید خریدار نیز این روش بسیار توجیه‌پذیر است، چون بزرگ‌ترین مشکل خریداران، صف طولانی تخصیص ارز است؛ گاهی صف‌ها تا ۱۰۵ یا ۱۲۰ روز طول می‌کشد و خریدار نمی‌داند آیا ارز به موقع به دستش می‌رسد یا خیر؟ استفاده از ابزار مابه‌التفاوت خریدار ارز را با تخفیف ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ درصد ارزان‌تر تهیه می‌کند و از این بابت سود خواهد برد.

نکته دیگر اینکه با استفاده از روش جدید صادرکننده می‌تواند تولید خود را بهتر برنامه‌ریزی کند، چون می‌داند چند مرحله پیش‌فروش ارز انجام داده و در زمان‌های مشخصی ارز به دستش خواهد رسید. هر چند بسیاری از صادرکنندگان اعتبار خوبی دارند، اما به هر حال باید ارزهای پیش‌خرید شده را به فروشنده خارجی پرداخت کنند. عمده‌تاً وقتی فروشنده خارجی می‌بیند که ساز و کار مشخصی جهت دستیابی به ارز وجود دارد، (مثلاً سند پیش‌خرید از مرکز مبادله را که نشان می‌دهد دو ماه دیگر ارز ارائه خواهد شد)، حاضر می‌شود کالا را تحویل دهد و وارد بنادر و گمرکات کشور کند؛ چرا که جهت دریافت ارز در آینده اطمینان نسبی دارد.

طبق مقررات، ترخیص کالا فقط برای کالاهایی امکان‌پذیر است که ارزش آنها تعیین تکلیف شده باشد. تعیین تکلیف به این معناست که مالکیت کالا مشخص باشد. در اینجا، هر چند مالکیت ارز هنوز منتقل نشده، اما در سررسید، قرار است منتقل شود؛ بنابراین، ترخیص کالا طبق مقررات مجاز است و هیچ یک از قوانین نقض نمی‌شود. این روند باعث می‌شود تولید و واردات نظم پیدا کند، چون صادرکننده در زمان مشخص ارز را دریافت کرده و پول فروشنده خارجی را نیز پرداخت می‌کند. از طرفی، این سازوکار برای بانک مرکزی نیز بسیار جذاب است، زیرا اگر بانک مرکزی وارد این بازار شود، به جای خلق پول و ایجاد تورم، می‌تواند ارز واقعی را در طرح‌های توسعه‌ای تزریق کند. همچنین، بانک‌ها به دلیل محدودیت‌های اعتباری و کنترل‌های ترازنامه‌ای نمی‌توانند به راحتی تسهیلات کلان ارائه دهند، اما با پشتوانه این پیش‌فروش‌ها، امکان ارائه اعتبار بیشتری برای آنها فراهم خواهد شد.

ما یک کد مجازی برای این پیش‌فروش‌ها صادر می‌کنیم که سند عملکرد صادراتی صادرکننده است. این موضوع برای بانک‌ها مفید است چون می‌توانند به راحتی مشتریان خود را تأمین مالی کنند. از نظر حقوقی و فقهی، این سازوکار مشابه مصوبات قبلی کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار تحت عنوان «پریمیوم» بوده و تغییرات جزئی در ماهیت کالا و ارز

ایجاد شده است. پیش‌بینی ما این است که با این ابزار حداقل ۳ میلیارد دلار پیش‌فروش ارز انجام شود که معادل حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی موثر در اقتصاد است. این مبلغ باعث افزایش قدرت اعتباری بانک‌ها و توان تسهیلات‌دهی آنها می‌شود.

سعیدی: ما در واقع دو قرارداد مستقل از هم را در نظر گرفته‌ایم که مجموع آنها (طرح پیش‌فروش ارز) را تشکیل می‌دهد. در بخش اول، اگر اجازه دهید ابتدا کلیات را بیان کنم و سپس به جزئیات بپردازم. قرارداد اول، یک قرارداد عهده‌ای است؛ یعنی قرارداد «تعهد به انجام بیع در زمان مشخصی در آینده» در این قرارداد، فروشنده اعلام می‌کند که مقدار مشخصی ارز را برای فروش در آینده آماده کرده است. خریداران بالقوه نیز متعهد می‌شوند که در تاریخ مشخص شده، ارز را خریداری کنند.

برای مثال، فرض کنید کل مبلغ قرارداد ۵ میلیون دلار باشد و نرخ ارز ۷۰ هزار تومان. در این صورت، ۳۰ درصد از کل مبلغ قرارداد (یعنی مبلغی معادل ۳۰ درصد از ۵ میلیون دلار ضربدر نرخ روز) در ابتدای قرارداد به عنوان پیش‌پرداخت یا وجه تعهد به فروشنده پرداخت می‌شود. این مبلغ به معنای انجام بیع نیست، بلکه صرفاً به عنوان وجه تعهد یا رزرو محسوب می‌شود. فروشنده نیز در این مدت حاضر است به خریداران تخفیفاتی ارائه دهد، زیرا مبلغی نزد او به عنوان امانت یا پیش‌پرداخت دریافت نموده است.

در رابطه با این معامله دو تصویر حقوقی قابل ارائه است.

۱. اگر قرارداد تعهد به انجام بیع به عنوان یک قرارداد مستقل پذیرفته شود، در این صورت این قرارداد یک قرارداد عهده‌ای است و بیع محسوب نمی‌شود. یعنی طرفین متعهد می‌شوند که در زمان مشخصی در آینده، مقدار معینی ارز را معامله کنند.

۲. مبلغ پرداخت شده (پیش‌پرداخت) نزد فروشنده به عنوان امانت نگهداری می‌شود و فروشنده ید امانی دارد، اما با شرط ضمن عقد، اجازه تصرف مالکانه به فروشنده داده می‌شود. در صورتی که قرارداد تعهد به انجام بیع به عنوان قرارداد مستقل و جدید پذیرفته شود، شرایط و فرمول‌های دقیق مربوط به نحوه تبدیل وجه تعهد به بخشی از ثمن معامله در قرارداد به صراحت ذکر خواهد شد.

سعدی: منظور شما از سود در این الگو دقیقاً چیست؟

اسلامیان: علاوه بر این پولی که خریدار به عنوان ودیعه یا تعهد به فروشنده می‌پردازد، قرض نیست؛ یعنی واقعاً متعلق به خریدار است. اما فروشنده نیز اجازه تصرف در این پول را دارد، چون نمی‌خواهد آن را بدون استفاده نگه دارد. با این حال، سوال این است که چگونه سودی که از این پول به دست می‌آید به فروشنده می‌رسد، در حالی که پول متعلق به خریدار است؟

آرام: منظور بنده از سود، طرح توسعه‌ای است که صادرکننده با پول پیش‌فروش ارز انجام می‌دهد و از محل آن سود ایجاد می‌شود. مثلاً ساخت سوله یا توسعه کارخانه.

اسلامیان: این طرح توسعه که ارزش افزوده ایجاد می‌کند، به چه کسی تعلق دارد؟ مالک آن کیست؟

آرام: مالک طرح توسعه و دارایی‌های ایجاد شده، فروشنده است.

اسلامیان: ولی این پول متعلق به خریدار است؛ چرا فروشنده وقتی با پول خریدار کار می‌کند، مالک طرح توسعه می‌شود؟

آرام: به همین دلیل است که فروشنده به خریدار تخفیفی در معامله آینده ارز می‌دهد.

اسلامیان: در جلسه گذشته به این نتیجه رسیدیم که در الگوی مورد بحث معامله واقعی (بیع) در همان لحظه انجام نمی‌شود و صرفاً تعهد به معامله در آینده وجود دارد. یعنی بنده به عنوان خریدار پولی را به فروشنده می‌دهم و این پول را به عنوان امانت یا تعهد برای معاملات بعدی در اختیار وی قرار خواهد گرفت؛ اما در این مرحله هیچ مالکیتی به بنده منتقل نمی‌گردد و فقط یک حق تقدم برایم ایجاد می‌شود. با این حال، این پول متعلق به بنده است و فروشنده صرفاً با آن کار می‌کند و ارزش افزوده‌ای ایجاد می‌نماید. بنابراین، این ارزش افزوده باید متعلق به صاحب پول یعنی بنده باشد و نه فروشنده.

آرام: فرض کنید بنده فروشنده ارز هستم و پروژه‌ای دارم که انتظار می‌رود حدود ۲۰ درصد بازدهی داشته باشد و در طول یک سال این بازدهی را محاسبه می‌کنم. حالا یک خریدار می‌آید و می‌گوید اگر به من تخفیف ۲۰ درصدی بدهی، بنده

حاضر هستم ارز را از تو پیش خرید کنم. چرا بنده فروشنده این تخفیف را می‌پذیرم؟ چون می‌دانم این پول را قرار است در یک پروژه توسعه‌ای سرمایه‌گذاری کنم که برایم حدود ۲۰ درصد ارزش افزوده ایجاد خواهد کرد. البته این عدد تقریبی بوده و هنوز محقق نشده است یعنی هر چند نه خریدار و نه فروشنده نمی‌دانند دقیقاً چقدر سود حاصل می‌شود، اما روی یک عدد توافق می‌کنند که ما آن را به عنوان «تخفیف» می‌شناسیم.

مصباحی‌مقدم: در مورد فرمایش آقای اسلامیان مثالی ارائه می‌کنم؛ فرض کنید بنده خودروی خودم را به شما امانت می‌دهم و اجازه استفاده از آن را نیز می‌دهم. وقتی بنده به شما اجازه استفاده را دادم، خودرو در اختیار شما قرار می‌گیرد؛ مثلاً شما با آن از تهران به قم می‌روید و برمی‌گردید. این استفاده خودش یک خدمت بوده و منافع به همراه دارد. حالا سوال این است که این منفعت به چه کسی تعلق خواهد گرفت؟

اسلامیان: شما به بنده اجازه استفاده از خودرو را دادید، بنده هم از آن استفاده کردم، اما به ازای این استفاده چیزی پرداخت نکرده‌ام، چون این اجازه (اذن در تصرف) به صورت مجانی از طرف مالک خودرو داده شده است.

مصباحی‌مقدم: همین مفهوم در مورد منابع مالی و پول هم صادق است؛ یعنی وقتی پولی به کسی داده می‌شود و اجازه استفاده از آن هم داده می‌شود، اگر این اجازه مجانی باشد، منفعت ناشی از آن نباید به نفع پرداخت‌کننده باشد.

اسلامیان: شما ماشین خود را به بنده دادید و بنده شخصاً از آن استفاده کردم؛ این استفاده مجانی بوده است. اما اگر شما اجازه دهید بنده با این ماشین کار کنم، مثلاً مسافرکشی نمایم، و فرض شود، اجرتی که مسافر می‌دهد، اجرت ماشین است نه راننده، این اجرت باید به مالک ماشین تعلق بگیرد.

مصباحی‌مقدم: وقتی خودرو را در اختیار شما گذاشتم، اذن در تصرف به صورت امانت داده‌ام؛ یعنی به طور مطلق اجازه داده‌ام که خودتان از آن استفاده کنید یا با آن کار کنید. دقت کنید که همه این منافع برای شما به صورت رایگان است.

رضایی: بنده به شما ۱۰۰ میلیون تومان می‌دهم و شما متعهد می‌شوید که یک ماه بعد ۱۰۰ دلار به بنده بفروشید. وقتی یک ماه بعد می‌خواهید ارز را به بنده بفروشید، آن را به قیمت روز می‌فروشید، اما قول می‌دهید به میزانی که بنده

الان پول داده‌ام، تخفیف بدهید. اگر این موارد را در قالب توافق مصالحه‌ای بر اساس اصل ۱۰ قانون مدنی و صلح فقهی که لازم و معتبر است، با شفافیت تنظیم کنیم، کار درست انجام شده است.

سعیدی: این قرارداد بسیار شبیه قرارداد آتی است که در کمیته فقهی بورس طراحی شده و در آنجا نیز به همین شکل بوده است، البته کاملاً یکسان نیست. تلاش ما این است که این قرارداد را به عنوان یک قرارداد عهدي مستقل ببینیم و اگر این امکان فراهم نشد، به سمت قرارداد صلح برویم. دلیل این کار این است که در بورس اوراق بهادار، آزمون‌های مرتبط با حوزه بانکداری و مالی اسلامی بیشتر از نظام بانکی مورد توجه و تاکید می‌باشد.

مصباحی‌مقدم: به نظر بنده ماهیت مطرح شده نمی‌تواند امانت باشد.

سعیدی: بله، درست است. ماهیت حقوقی این قرارداد تفاوت‌هایی با قرارداد امانت دارد، لذا ما در حال حاضر دنبال این هستیم که قرارداد فوروارد، (که به نوعی شکل غیر استاندارد قرارداد آتی است) را هم به عنوان یک روش، مورد استفاده قرار دهیم. به همین دلیل تلاش اولیه ما این است که این قرارداد جدید تا حد امکان به قرارداد آتی شباهت داشته باشد.

میثمی: اگر اجازه دهید متن پیش‌نویس مصوبه که جمع‌بندی کارشناسی دبیرخانه شورای فقهی می‌باشد قرائت شود.

نظری: گزارش دبیرخانه شورای فقهی درباره نامه شماره ۷۲۶۵/ص/۰۴/۲۰۱۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ مرکز مبادله ارز و طلای ایران در یکصد و بیست و ششمین جلسه شورای فقهی مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ مطرح و به شرح ذیل تصویب شد:

«معامله مدت‌دار به روش کشف مابه‌التفاوت در بازار ارز، بر اساس نرخ ارز بازار که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است خلاف شرع تشخیص داده نشد و بر پایه دو عقد معین، با شرایط زیر انجام می‌شود»:

الف) عقد صلح با موضوع تعهد به بیع: این قرارداد بین دو طرف مصالح (صادرکننده دارای ارز حاصل از صادرات) و متصالح (واردکننده) منعقد می‌شود. در این قرارداد، مصالح متعهد می‌شود حجم مشخصی از ارز را در سررسید (یعنی روز معامله نهایی) با نرخ همان روز به متصالح بفروشد.

ب) متصالح متعهد می‌شود مبلغ ریالی معادل درصدی از مبلغ ارزی تعهد شده را بر اساس نرخ ارز روز به عنوان وجه‌التعهد (که ماهیت آن امانت همراه با اذن در اباحه تصرف است) به مصالح پرداخت نماید.

مصباحی مقدم: به نظر می‌رسد در زمان انجام معامله اساساً دین و یا بدهی‌ای وجود ندارد.

سعدی: عنایت داشته باشید در زمان معامله، اساساً ارزی وجود ندارد؛ بلکه ما فقط تعهد می‌کنیم که بیع آن را در سررسید انجام دهیم. بنابراین، معامله روی ارزی انجام می‌شود که هنوز حاصل نشده است.

مصباحی مقدم: با این توضیح شما «مدل فقهی و تعهد به انجام بیع در آینده» است.

سعدی: اگر ماهیت این ابزار تعهد به انجام بیع باشد، ولی در عمل به این تعهد عمل نشود تکلیف وجهی که بعنوان پیش‌پرداخت ارائه شده چگونه خواهد شد؟

رضایی: طبق شرایط قرارداد، شما باید معادل همان مبلغ را به من بازگردانید. بله، این بازگرداندن باید صورت بگیرد و ممکن است به هر نحوی که توافق شده باشد انجام شود.

نظری: متن پیش‌نویس در این رابطه عبارت است از: «مصالح در قبال دریافت وجه، متعهد می‌شود علاوه بر تعهد به فروش مبلغ ارزی معین در روز معامله نهایی و تحویل در روز تعیین شده، تخفیفی برای متصالح در روز معامله نهایی در نظر گیرد. طرفین، ضمن عقد صلح شرط می‌نمایند که در زمان انعقاد عقد بیع، مبلغ وجه‌التعهد به عنوان بخشی از ثمن عقد بیع محاسبه شود».

مصباحی مقدم: این را بنویسید که تسویه به صورت نقدی انجام می‌شود.

نظری: می‌توان در ادامه این‌طور مطرح کرد: «فروشنده نیز حجم ارزی معین خریداری شده را حداکثر تا روز تحویل ارز، به خریدار تسلیم می‌کند».

رضایی: اگر واردکننده به هر دلیلی نتواند ارز مورد نیاز را تهیه کند، آیا بانک مرکزی ضمانت می‌کند که ارز را به او تحویل دهد یا خیر؟ فرض کنید مشکلی پیش آمده، مثلاً در بازار بین‌المللی، واردکننده نتوانسته ارز را تأمین کند. در داخل کشور هم اگر ارز موجود باشد، می‌تواند آن را خریداری کند. اما به هر حال اگر نتوانست، تکلیف چیست؟

سعیدی: سه حالت ممکن است پیش بیاید: یا فروشنده از انجام تعهد خود سر باز زند، یا خریدار تعهدش را انجام ندهد، یا اینکه هر دو طرف توافق کنند و معامله را اقاله نمایند. اگر فروشنده از ایفای تعهد خودداری کند، طبق قرارداد باید به ضمانت‌نامه بانکی که از قبل ارائه شده عمل نماید. در این صورت، فروشنده موظف است کل مبلغ دریافتی را به خریدار بازگرداند و علاوه بر آن، ۱۰ درصد مبلغ را به عنوان خسارت به دلیل برهم خوردن نظم بازار، پرداخت کند. همین شرایط برای خریدار نیز صادق است، چون مبلغ پیش‌پرداخت نزد فروشنده باقی مانده است و اگر خریدار تعهدش را انجام ندهد، باید خسارت مشابه پرداخت کند.

مصباحی‌مقدم: مقوله تخلف از شرایط قرارداد، می‌تواند به عنوان شرط وجه التزام در متن قرارداد لحاظ شود.

سعیدی: با توجه به اینکه در زمان انجام معامله، قیمت بر اساس نرخ روز تعیین می‌شود، این قرارداد تفاوت‌هایی با قرارداد آتی خواهد داشت. چرا که در قرارداد آتی، ریسک‌هایی وجود دارد که برای جبران آن وجه‌التزام پرداخت می‌شود، اما در این قرارداد چنین ریسکی وجود ندارد؛ زیرا فروشنده اگر واقعاً آن مقدار ارز را داشته باشد، بالاخره باید ارز را بفروشد. حتی اگر به خریدار نفروشد، مجبور است به شخص دیگری ارائه دهد. از طرف دیگر، خریدار هم اگر از فروشنده نخرد، باید با همان قیمت روز از جای دیگری تهیه کند. بنابراین، انگیزه مالی قوی برای عدم ایفای تعهد وجود ندارد.

مصباحی‌مقدم: باید به عنوان یک احتمال این موضوع را در نظر بگیرید و حتماً شرط وجه‌التزام را در قرارداد درج کنید. چرا که اگر شرط وجه‌التزام وجود نداشته باشد، دریافت این وجه مشروعیت نخواهد داشت.

سعیدی: وجه التزام برای هر دو طرف قرارداد است. حتی اگر طرفین توافق کنند که معامله را اقاله نمایند، برای حفظ نظم بازار و رعایت تعهدات، معمولاً مبلغی به عنوان وجه التزام، برای هر دو طرف در نظر گرفته می‌شود. این موضوع به نفع مرکز مبادله است و در عین حال به نفع طرفی می‌باشد که به دلیل عدم ایفای تعهد، با مشکل مواجه شده است.

مصباحی مقدم: بنابراین، این شرط وجه التزام باید حتماً در قرارداد درج شود تا ضمانت اجرای تعهدات طرفین تضمین گردد.

اسلامیان: وجه تعهدی که خریدار گذاشته، در واقع در اختیار فروشنده است و شما می‌فرمایید که این وجه بر اساس عقد صلح به فروشنده منتقل می‌شود. سوال این است که این ماهیت و آثار عقد صلح کدام است؟ یعنی بالاخره این مالی که از ملک بنده خارج نشده و هنوز متعلق به اینجانب است، با وقوع عقد صلح چه تغییری می‌کند؟ یعنی چطور عقد صلح می‌تواند این مشکلات را حل نماید؟

سعیدی: پیشنهاد ما این نیست که این موضوع را به صورت عقد صلح ببینیم. بلکه ما معتقدیم بهتر است این قرارداد به عنوان یک قرارداد عهدی مستقل (تعهد به انجام بیع در آینده) در نظر گرفته شود؛ یعنی قراردادی مستقل که بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی تنظیم می‌شود. در این حالت، وجه پیش پرداخت ماهیت امانت یا اباحه تصرف خواهد داشت.

اسلامیان: وقتی پول پیش پرداخت که خریدار پرداخته به فروشنده داده می‌شود، فروشنده می‌تواند از آن استفاده نماید، مثلاً ۳۰ درصد سود ببرد و بعد پول را برگرداند. سوال این است که منافع متعلق به این وجه متعلق به چه کسی می‌باشد؟ شما می‌گویید این یک عقد صلح نیست، اما برخی برای رفع ابهام، آن را به صورت صلح مطرح می‌کنند؛ آیا این درست است؟

مصباحی مقدم: وقتی شما مالی را به دیگری می‌دهید، مثلاً خودرو که گفتم، آن مال به عنوان امانت در اختیار طرف معامله قرار می‌گیرد و با اذن شما از آن استفاده می‌کند. در این مدت، منافع ناشی از خودرو در اختیار همان کسی است که امانت را گرفته و استفاده می‌کند و این منافع به او تعلق دارد و تمام می‌شود.

اسلامیان: اگر بنده خودروی شما را مصرف کنم و خودم سوار شوم، این موضوع روشن است. اما اگر به من اجازه دهید با خودرو کار کنم، مثلاً مسافرکشی کنم و از درآمد آن پولی به دست بیاورم، این منافع متعلق به کیست؟

سعدی: به نظرم پیشنهاد دوم که مبتنی بر ماده ۱۰ قانون مدنی است، مبنا قرار گیرد یعنی اگر می‌خواهید از عقد صلح استفاده کنید، دیگر بحث امانت مطرح نباشد. مثلاً بگویید من صلح می‌کنم بر یک وعده‌ای که شما متعهد هستید، مثلاً ۱۰۰ دلار را برای یک ماه دیگر به بنده به قیمتی که در زمان قرارداد تعیین شده بفروشید. این صلح عوضین دارد؛ یعنی بنده به

شما مبلغی به عنوان عوض صلح می‌دهم تا متعهد شوید شش ماه دیگر مقدار ۱۰۰ دلار را به اینجانب تحویل دهید چرا تصویر حقوقی موضوع را در قالب امانت ببریم که شبهات متعددی ایجاد نماید.

مصباحی مقدم: امروز در این جلسه دقت کنید که ما در این فضا می‌خواهیم تصمیم‌گیری کنیم و موضوع هم تفاوت‌هایی دارد. از این جهت به نظر بنده هم اشکالی ندارد که با قرارداد صلح موضوع را جمع‌بندی کنیم و نیازی به بحث امانت نیست.

سعیدی: اگر در زمان قرارداد اولیه، معامله به صورت بیع قطعی انجام شود، مالکیت منتقل می‌گردد و تمام ریسک‌ها بر عهده خریدار خواهد بود، حتی اگر ارز تحویل نشود. اما وقتی این قرارداد به قرارداد عهدی یا صلح تبدیل می‌شود و انتقال مالکیت صورت نمی‌گیرد، مشکل انتقال ریسک برطرف می‌شود. بنابراین، دغدغه‌ای که ممکن است تصور شود درباره طراحی قرارداد وجود دارد، واقعاً اینگونه نیست.

ابراهیمی: از نظر حقوقی مشکلی در استفاده از عقد صلح وجود ندارد. عقد صلح یک قرارداد معین است که در قانون مدنی شرایط و مقررات خاص آن مطرح شد، در صورت بروز اختلاف، باید به این مواد قانونی مرتبط مراجعه و استناد شود. بنابراین، از نظر حقوقی جای نگرانی نیست و به نظر می‌رسد از نظر فقهی هم مشکلی وجود نداشته باشد که از عقد صلح، استفاده گردد. همچنین، می‌توان از قالب «تعهد به انجام بیع در آینده» نیز استفاده کرد. زیرا تعهد به بیع نیز دو طرف دارد و می‌توان تمام شروط ضمن عقد را در آن گنجانده؛ همان‌طور که در ماده ۱۰ قانون مدنی مطرح شده است. همچنین، امانتی که در اختیار طرف دیگر قرار می‌گیرد با اذن در اباحه تصرف، احتمالاً از نظر شرعی و فقهی هم مشکلی ندارد، هر چند ممکن است نظرات متفاوتی وجود داشته باشد. اما از نظر حقوقی، استفاده از قالب تعهد به انجام بیع در آینده ترجیح داده می‌شود.

آرام: طبق مقررات، شخص زمانی می‌تواند ارزی را بفروشد که آن ارز واقعاً عرضه شده باشد؛ یعنی ارز را دریافت کرده و تاییدیه بانک را داشته باشد. نکته مهم این است که به محض خروج کالای صادراتی از گمرک، یک کد به نام «کد کوتاه صادراتی» صادر می‌شود که این کد قابلیت معامله دارد و به عنوان معیار و سندی برای اثبات وجود عرضه معادل ارز محسوب می‌شود. بنابراین، تا زمانی که کالا از گمرک خارج نشده و کد کوتاه صادر نگردیده باشد، عملاً نمی‌توان عقدی درباره فروش ارز جاری کرد، چون هنوز ارز حاصل از صادرات به دست نیامده است.

سعدی: شما دارید الزام به بیع را در قالب عقد صلح مطرح می‌کنید، در حالی که عقد بیع ماهیتاً عقدی است که مال مورد معامله باید به ملکیت طرف مقابل در بیاید.

مصباحی‌مقدم: بنده هم پیشنهاد می‌کنم از قالب «تعهد به انجام بیع در آینده» استفاده شود، چون این تعهد به صورت عرفی و حقوقی دارای مفهوم است.

اسلامیان: اگر بخواهیم از قد صلح استفاده کنیم سوال آن است که در مقابل این صلح، بنده چه چیزی دریافت می‌کنم؟
سعیدی: به نظر می‌رسد که در این حالت فرد اطمینان خواهد داشت که در آینده به ارز دست پیدا خواهد کرد.

مصباحی‌مقدم: همین موضوع که فرد نسبت به دریافت ارز در آینده اطمینان پیدا کند.

آرام: وقتی افراد می‌خواهند ارز بخرند، بانک مرکزی باید به آنها ارز تخصیص بدهد، چون تقاضا همیشه بیشتر از عرضه بوده و معمولاً صف وجود دارد. زمانی که کسی پیش‌خرید ارز می‌کند، هنوز ارز را دریافت نکرده اما طبق مقررات، چون در آینده مالک ارز می‌شود، این شخص از صف تخصیص خارج می‌شود. به عبارت دیگر وقتی تعهد وارد می‌شود و ایفای تعهد در آینده مورد تایید قرار می‌گیرد، از صف تخصیص ارز کاهش خواهد یافت.

میثمی: لطفاً جمع‌بندی مصوبه را ارائه دهید.

رضایی: توافق طرفین بخش خصوصی بر امری که مخالف شرع نباشد، الزام‌آور است. به نظر می‌رسد توافق کلی بر قالب «تعهد به انجام بیع در آینده» است.

سعدی: ما یک بحث حقوقی داریم درباره ماده ۱۰ قانون مدنی و جایگاه آن در کنار عقد صلح. سؤال این است که اگر عقد صلح به عنوان یکی از عقود معین وجود دارد، چه دلیلی داشته که حقوقدان‌ها ماده ۱۰ را مطرح کنند؟ حالا ما بحث فقهی و حقوقی آن را فعلاً کنار می‌گذاریم. در ماده ۱۰، همان‌طور که آقای مصباحی‌مقدم هم تصدیق کردند، رای مقام معظم رهبری این است که قراردادهایی که جزو عقود معین نمی‌باشد هم لازم‌الاجرا هستند.

مصباحی مقدم: معامله مدت‌دار به روش کشف مابه‌التفاوت در بازار ارز، بر مبنای نرخ ارز بازار (که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است) و بر اساس دو عقد با شرایط مشخص اجرایی می‌گردد.

اسلامیان: وقتی می‌گویید معامله بر اساس دو عقد است و عقد صلح هم نیست، آیا در این حالت جهالت (ابهام) مضر نیست؟ یعنی تعهد داده می‌شود که چه کاری انجام شود؟ مجهول بودن قیمت، غرر است.

سعدی: اگر تعهد کردیم، صریح بیان می‌شود. اگر تعهد کردیم موضوع به صراحت بیان می‌شود لذا غرر نخواهد بود.

مصباحی مقدم: معامله مدت‌دار به روش کشف مابه‌التفاوت در بازار ارز، بر مبنای نرخ ارز بازار که مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است و بر اساس دو قرارداد با شرایط زیر انجام می‌شود. الف: توافق طرفین بر تعهد به بیع که در «روز حراج» فی‌مابین صادرکننده و واردکننده منعقد می‌گردد و طی آن صادرکننده تعهد می‌نماید حجم ارزی معینی را در سررسید ایفای تعهد (روز معامله نهایی) با نرخ همان روز، به واردکننده بفروشد. واردکننده متعهد می‌شود مبلغ ریالی را، به میزان درصدی از مبلغ ارزی تعهد شده و بر اساس «نرخ ارز روز تعهد» به عنوان وجه تعهد به صادرکننده پرداخت نماید.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.